

حمایت از قربانی جرم در فرآیند دادرسی کیفری

دکتر سید سوادکوهی فو (دکترای حقوق دعاوی از فرانسه - قاضی دیوان عالی کشور)

چکیده:

نظام اسلامی، با نمونه‌ای از حکومت عدل الهی، که بروحی و تعلیمات نبی اکرم و ائمه معصومین (علیهم السلام) استوار است، الهام بخش روشن‌ترین اصول در حمایت از ستمدیده یا قربانی جرم می‌باشد. نظام حقوقی کشورها از جمله ایران، در وضع مقررات حمایتی برای قربانیان جرایم بی‌بهره نبوده‌اند. غرب از قرن هجدهم تاکنون تحولاتی در حقوق جزا پیش رو داشته است. آنها از ایده‌هایی مناسب در نگرش به پدیده جرم و تعدی استفاده کرده و به نظام کیفری خود سامان داده‌اند. نمره مطالعات خود را در قالب مجموعه قواعد کاربردی حکومتی تنظیم کرده و متصدیان امور را در انجام وظایف خود در خدمت‌رسانی به مردم راهنمایی کرده‌اند.

پس از بیان برخی اصول نظام اسلامی در حمایت از قربانی جرم، قواعدی از حقوق کشورمان در دفاع از زیان دیده را مدنظر می‌شویم و در پایان، به مجموعه‌ای از قواعد موضوعه کشورهای غربی با عنوان حمایت از بزه دیده در فرآیند دادرسی، اشاره خواهیم کرد.



کلید واژه‌ها:

مجنی علیه، قربانی جرم، بزه دیده، دادرسی کیفری، حمایت از بزه دیده، مجازاتها، جرم شناسی، بزه دیده شناسی، حقوق جزای اسلامی، دادرسی کیفری اتحادیه اروپا.

۱. اصول حمایتی نظام اسلامی از قربانی جرم

در اسلام، مجازاتها را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود، که هر یک به نوعی موجب تشفی و تسلی خاطر قربانیان جرم و ستمدیدگان است. علاوه بر آن، کتاب الهی، قرآن، به جایگاه قربانی جرم نیز عنایت خاصی دارد. از این رو، مطالب را در دو قسمت مجازاتها و حمایت از قربانی، مورد اشاره قرار خواهیم داد.

الف: مجازاتها

شهید مطهری، در نگاهی کلان به احکام قرآنی، مجازاتها را به سه دسته تقسیم نموده است^(۱) که عبارتند از: ۱. مجازات قراردادی، ۲. مجازاتی که با گناه رابطه تکوینی و طبیعی دارد، ۳. مجازاتی که تجسم خود جرم است.

۱. مجازات قراردادی:

مجازات قراردادی یا تنبه و عبرت، در واقع همان کیفرها و مقررات جزایی است که در جوامع بشری بوسیله مقننین الهی یا غیرالهی وضع گردیده است. قوانین جزایی برای تربیت مجرمین و برای برقراری نظم در جامعه ضروری و لازم است. اگر کسی مال دیگری را سرقت کند، او را مجازات می‌کنند. مثلاً ارتکاب سرقت جامع شرایط حد، که مطابق قرآن، مجازات قطع دست را در پی دارد: "والسارق والسارقه فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا..."^(۲) یعنی: "دست مرد و زن دزد را به عقوبت عملی که مرتکب شده‌اند، ببرید."

۲. مجازاتی که با گناه رابطه تکوینی و طبیعی دارد:

مجازات یا مکافات دنیوی از انواع کیفرهایی به شمار می‌رود که رابطه علت و معلولی با جرم دارند؛ یعنی، معلول جرم و نتیجه طبیعی آن است. این کیفرها "مکافات عمل" یا "آثر وضعی گناه" نامیده می‌شوند. به سه آیه شریفه در این خصوص اشاره می‌نماییم: آیه اول، حکم عامی را بیان می‌دارد که به موجب



آن: "من يعمل سوءً يجزبه"^(۳) یعنی: "هر کس عمل بدی مرتکب شود، کیفر آن را خواهد دید." آیه دوم، حکم کلی را بیان می‌دارد: "و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون..."^(۴) یعنی: "به خلق بگو که هر عملی کنید خدا آن عمل را به زودی می‌بیند و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می‌شوند." آیه سوم، خاص و ناظر به عمل برادران حضرت یوسف است. آیه می‌فرماید: "قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف واخیه اذ انتم جاهلون"^(۵) یعنی: "یوسف گفت: آیا شما در دوران جهل و نادانی فهمیدید با یوسف و برادر او چه کردید؟"

۳. مجازاتی که تجسم خود جرم است:

مجازات اخروی یا مجازات در جهان دیگر، به نسبت دو مورد سابق رابطه تکوینی قوی تری با گناهان دارد. به این معنا که رابطه عمل و جزا در آخرت نه مانند نوع اول قرار دادی است و نه مانند نوع دوم رابطه علت و معلولی می‌باشد؛ بلکه بالاتر از آن دو بوده و رابطه عینیت و اتحاد بر آن حکمفرماست. به دو آیه شریفه در این رابطه استناد می‌نماییم. آیه اول که می‌فرماید: "... امدأ بعیدا..."^(۶) یعنی: "[روزی که هر شخصی هر کار نیکی که کرده پیش روی خود حاضر می‌بیند و آنچه بد کرده آرزو می‌کند که ای کاش میان او و عمل بدش (فاصله ای دور) جدایی می‌افتاد]". آیه بعد که می‌توان یادآور شد، این است که: "و من يعمل مثقال ذره شراً یره"^(۷) یعنی: "هرکس به قدر ذره ای کار زشتی مرتکب شده باشد، آن را می‌بیند و به [کیفر عملش خواهد رسید]".

ب: حمایت قربانی

در نظام اسلامی، جایگاه قربانی جرم و پاسداری از حقوق او در تمامی ابعاد مورد توجه می‌باشد. این امر به گونه ای است که نمی‌توان در این مختصر به آنچه شایسته ذکر است، پرداخت.

انسان ممکن است زمانی به یک دوراهی برسد که انتخاب راه عدم تعدی و ظلم بسیار دشوار باشد؛ زیرا اگر حمایت قانون و اطمینان از تحقق آن نباشد، بسختی می‌توان در راه صحیح گام گذاشت. نظام اسلامی مثال‌های مختلفی دارد که بر مبنای اعتقاد به حمایت الهی، انسان‌های متقی و درستکار تن به تعدی نداده‌اند

اینکه چه کسی مجنی علیه واقع شده است تعابیر مختلفی دارد و عناوینی چون مظلوم یا ستم‌دیده و مستضعف را می‌توان از جهات گوناگون موضوع بحث قرار داد. لیکن نگاه اجمالی به آیات اجازه می‌دهد در مقام حمایت از قربانی جرم به یک تقسیم بندی دست یافت که چهار امر را در برمی‌گیرد: ۱. حمایت امدادی، ۲. حمایت سلبی، ۳. حمایت حکمی، ۴. حمایت معاوضی.

۱. حمایت امدادی:

حمایت امدادی یا ایجابی، کلیه کسانی را که مورد ظلم و تعدی واقع شده‌اند در بر می‌گیرد، تا آنچه از دست داده‌اند بازپس گیرند یا تعدی به آنها جبران شود. به این منظور، گاه قدرت به جمع داده شده است تا علیه مجرمین مقابله کنند، چنانچه در آیه آمده است: "... واولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً"^(۸) یعنی: "برای شما و علیه آنان، قدرت آشکاری قرار دادیم." و گاه قدرت و مدد به ولی مقتول داده شده است تا استیفای حق نماید؛ همان‌گونه که در آیه آمده: "... و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً..."^(۹) یعنی: "هر کس شخص بی‌گناهی را به قتل برساند برای ولی او سلطه یا قدرتی قرار دادیم." زمانی نیز به قربانی جرم مدد می‌شود تا در مقابل خطاکاران، به حق از دست رفته برسد؛ آن‌گونه که برای یوسف (ع) مدد رسید، تا آنجا که ایشان فرمود: "... قد من الله علینا انه من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجرالمحسنین"^(۱۰) یعنی: "به درستی که خداوند بر ما منت نهاد؛ هر کس پرهیزکاری و شکیبایی کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نخواهد کرد."

۲. حمایت سلبی:

حمایت سلبی یا قضایی، در امری است که خطای شخص، به عذر ظلم و جنایتی که به او شده، نادیده گرفته می‌شود مانند شخص مظلوم یا قربانی جرم که برای دادخواهی خود به ناچار دست به فریاد می‌زند. فغان و شکوه خود را بلند کرده و از بیدادی که بر او رفته است دادخواهی می‌کند. در این باره قرآن کریم می‌فرماید: "لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم"^(۱۱) یعنی: "خداوند سخن گفتن را به گفتار زشت دوست ندارد مگر کسی که به او ستم شده است."

۳. حمایت حکمی:

منظور از حمایت حکمی، به تعبیر ما، موردی است که شخص، خود را به طور قطع در حمایت قانون ببیند و به اعتبار سنت جاودانه ای به حمایت آن امیدوار باشد. وجود چنین امری در قوانین، و جان و تن را به حکم ایمان به قانون سپردن، حکایت از نهایت درجه ایمان به قانون دارد. انسان ممکن است زمانی به یک دوراهی برسد که انتخاب راه عدم تعدی و ظلم بسیار

دشوار باشد؛ زیرا اگر حمایت قانون و اطمینان از تحقق آن نباشد، بسختی می‌توان در راه صحیح گام گذاشت. نظام اسلامی مثال‌های مختلفی دارد که بر مبنای اعتقاد به حمایت الهی، انسان‌های متقی و درستکار تن به تعدی نداده‌اند. از این قبیل است آیه ای که راجع به هابیل و قابیل، فرزندان آدم (ع)، می‌فرماید: "... لئن بسطت الیٰ یدک لتقتلنی ما انا بی‌بسط یدی الیک لا یتلک انی اخاف الله رب العالمین. انی اریذ ان تبوء باثمی و اثمک فتکون من اصحاب النار و ذلک جزاؤ الظالمین"؛^(۱۲) یعنی: "(هابیل به قابیل گفت) اگر دست فراسوی من آری که مرا بکشی، من دستم را برای کشتن تو دراز نخواهم کرد، همانا من از خداوند، پروردگار جهانیان، می‌ترسم. من می‌خواهم گناه من و گناه خویش را برگیری، تا از یاران آتش شوی؛ که این مجازات ستمکاران است."

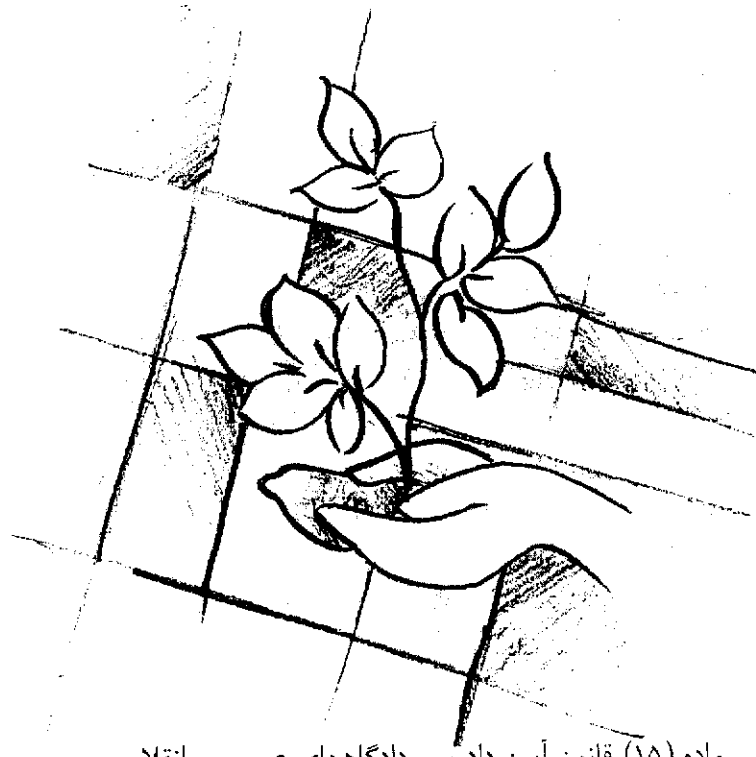
۴. حمایت معاوضی:

حمایت معاوضی را به این اعتبار مطرح کرده‌ایم که در مواردی، زیان‌دیده یا قربانی جرم به دلیل به دست آوردن چیزی بهتر، از مجازات مجرم به طور کلی یا جزئی صرف‌نظر می‌کند. چنین راهکاری در قانون الهی آمده است، تا نتایج گوناگونی از آن، هم به نفع زیان‌دیده و هم به نفع مرتکب جرم و هم در راستای استحکام جامعه، حاصل گردد. آیه شریفه ای که ناظر بر حق قصاص نفس و اعضا و جراحتها می‌باشد در ادامه می‌فرماید: "... فمن تصدق به فهو کفارة له..."^(۱۳) یعنی: "هر کس از آن (قصاص) گذشت، آن کفاره [گناهان] او خواهد بود." به عبارت دیگر، پیشنهاد حمایتی مبنی بر کفاره گناهان، در ازای گذشت از حق قصاص قرار گرفته است.

۲. قواعدی از حقوق ایران در حمایت بزه دیده

شناخت بزه‌دیده و آنچه مربوط به او می‌شود، در نظام حقوقی کشورمان دارای سابقه‌ای طولانی نیست. اخیراً راجع به این رشته از جرم‌شناسی، تحقیقاتی صورت گرفته است و قواعد مربوط به آن در سامان بخشیدن سیاست کیفری کشورمان مورد بحث واقع شده است.^(۱۴) به طور خاص نیز اقداماتی برای تنظیم مجموعه مقررات ویژه حمایتی (در مرحله تهیه لایحه) انجام گرفته است که نمونه آن، قانون حمایتی اطفال است. بانوجه به اینکه در خصوص بزه دیده در فرآیند دادرسی، مقررات مرتبط یکجا نیامده است. برای اشاره به حقوق قربانی جرم و وظایف مراجع حکومتی در فرآیند دادرسی (از مرحله ضابطین دادگستری تا اجرای حکم) باید به مواد پراکنده‌ای از قوانین کیفری و مدنی و همچنین قانون اساسی استناد کرد.

الف. نقش ضابطین:



ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، به یک اعتبار، و البته به طور ضمنی، به وظیفه حمایتی کلیه ضابطین از قربانی جرم اشاره داشته و می‌گوید: "ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون، اقدام می‌نمایند و عبارتند از..."

ب. نقش دادسرا:

دادسرا که عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوا از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبه وفق ضوابط قانونی است (بند "الف" ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اسلامی ۱۳۸۱) در پاره‌ای از جرایم، با شکایت زیان‌دیده یا شاکی و یا رأساً مکلف به تعقیب و انجام اقدامات به منظور حفظ حقوق قانونی قربانی جرم می‌باشد. (بند الف ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری). به برخی از وظایف دادسرا در ذیل اشاره می‌شود:

دستور رد اموال:

به موجب قسمت اخیر ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی: "... بازپرس یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد، به تقاضای ذی نفع با رعایت موارد زیر، دستور رد اموال و اشیای مذکور در فوق را صادر نماید..."

توقیف مظنون به قتل:

بند "ه" ماده (۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری، علاوه بر مواردی که مرجع تعقیب می‌تواند قرار بازداشت متهم را صادر



کند، به مورد خاصی اشاره دارد که به نظر می‌رسد در جهت حمایت از قربانی جرم تجویز بازداشت مشخص شده باشد. مطابق بند مزبور: "... در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به مدت شش روز... صدور قرار بازداشت موقت جایز است. مشابه این امر در ماده (۳۶) همان قانون آمده است، که بر مبنای آن: "در حقوق الناس جواز بازداشت متهم منوط به تقاضای شاکی است."

اخذ تأمین از متهم:

دادسرا برای حفظ حقوق زیان‌دیده می‌بایست علاوه بر مواردی که شاکی تقاضای تأمین ضرر و زیان خود را می‌کند (ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری) با توجه به اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و غیره، تأمین متناسب از متهم اخذ نماید. نتیجه این امر در جهت حمایت زیان‌دیده، در ماده (۱۴۵) قانون آیین دادرسی کیفری چنین آمده است: "در مواردی که متهم حضور نیافته و محکوم شده، محکوم به یا ضرر و زیان مدعی خصوصی از تأمین گرفته شده، پرداخت خواهد شد و..."

حمایت مستقیم از برخی بزه‌دیدگان:

در مواردی، قانونگذار به مدعی‌العموم که در رأس دادسرا قرار دارد (بند "الف" ماده ۳ قانون اصلاح قانون دادگاههای عمومی و انقلاب) اجازه داده است در جهت حمایت از بزه‌دیده‌ای که از توانایی کامل برخوردار نیست، طرح ادعا کند. این ادعا گاه نسبت به جان و گاه نسبت به مال شخص در معرض خطر است. نمونه‌ای از این امر در مواد (۱۱۷۳) و (۱۱۸۴) قانون مدنی آمده است. براساس ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی: "هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای

قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند."

به موجب ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی نیز: "هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او مرتکب حیف و میل گردد، به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای مدعی‌العموم، بعد از ثبوت عدم لیاقت یا خیانت او در اموال مولی علیه، به طرفیت مدعی‌العموم در محکمه، حاکم یک نفر امین به ولی منضم می‌کند. همین حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل به واسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن، قادر به اداره کردن اموال مولی علیه نباشد."

اقدام در مورد اعتراض شاکی به قرار:

دادسرا مکلف است قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب و اناطه را به اطلاع شاکی برساند تا در صورت اعتراض و تقاضای شاکی، مراتب در دادگاه صالحه خارج از نوبت و بدون حضور دادستان رسیدگی شود. در این خصوص بند "ن" ماده (۳) قانون اصلاح قانون دادگاههای عمومی و انقلاب، حکم را بیان کرده و مهلت ده روزه‌ای را برای اعتراض به قرارها از تاریخ ابلاغ منظور نموده است.

ج: نقش دادگاه

مطابق اصل سی و چهارم قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. در تأکید این امر و تحقق جنبه حمایتی دادگاهها، اصل مزبور در ادامه می‌گوید: "... همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد." بر مبنای اصل بیستم قانون اساسی نیز: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند." به برخی حقوق حمایتی شاکی در ذیل اشاره می‌نماییم:

۱. رسیدگی مناسب به شکایت:

مطابق ماده (۷۳) آیین دادرسی کیفری: "شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و نیز از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد، پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد." دادگاه از این رو باید اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی را استماع و از اهل خبره‌ای که مدعی خصوصی یا شاکی معرفی کرده است، استماع نظر نماید." (بند ۱ ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

شهید مطهری، در نگاهی کلان به احکام قرآنی، مجازاتها را به سه دسته تقسیم نموده است که عبارتند از: ۱. مجازات قراردادی، ۲. مجازاتی که با گناه رابطه تکوینی و طبیعی دارد، ۳. مجازاتی که تجسم خود جرم است

۲. صدور رأی مستند:

قانون اساسی این حق را پیش بینی کرده است که بنوعی در جهت حمایت از اصحاب دعوا و خاصه حمایت متضرر از جرم است. مطابق اصل یک صد و شصت و ششم: "احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است."^{۱۵)}

۳. تعیین تکلیف در مورد زیانها:

ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: "هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید..."

۴. توصیه نامه اتحادیه اروپا در حمایت بزه دیده در فرآیند دادرسی:

قطعه نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ م، با عنوان اعلامیه اصول اساسی عدالت راجع به قربانیان بزهکاری و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، و همچنین قطعه نامه آن در سال ۱۹۹۰ م، در خصوص حمایت از حقوق انسانی قربانیان بزهکاری و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، منابع مناسبی برای ارائه و استفاده بشمار می روند. در سطح شورای اروپا هم در سال ۱۹۸۳ م، کنوانسیون خسارت زدایی از قربانیان جرایم خشونت آمیز به تصویب رسیده است.

اما با توجه به موضوع بحث و اهمیت قواعد حمایتی از زیان دیده در فرآیند دادرسی، در ذیل ترجمه توصیه نامه اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۸۵ م، آورده می شود:

کمیته وزرا در اجرای ماده (۵۱.ب) اساسنامه شورای اروپا:

با لحاظ اینکه اهداف سیستم دادرسی کیفری به صورت سنتی و قبل از هر چیز در قالب روابط دولت و مجرم بیان گردیده است؛

با لحاظ اینکه عملکرد چنین سیستمی در نتیجه به جای اینکه موجب کاهش مشکلات قربانی جرم شود بعضاً موجب افزایش آن می گردد؛

با لحاظ اینکه یک وظیفه اصلی دادرسی کیفری می بایست پاسخگویی به نیازهای قربانی جرم و حمایت از منافع او باشد؛ با لحاظ اینکه علاوه بر آن مهم است که درجه اعتماد قربانی جرم را در دادرسی کیفری افزایش داد و در عین حال همکاری او را خاصه به عنوان شاهد تشویق نمود؛

با لحاظ اینکه در اجرای اهداف فوق، ضروری است که در سیستم دادرسی کیفری، به مسائل ضرر و زیان جانی، مادی و اجتماعی قربانی جرم توجه نمود و کلیه راههای مناسب را برای

جلب رضایت او و به منظور رفع مشکلاتی که برای او به وجود آمده است، اعمال کرد؛

با لحاظ اینکه مقرراتی که در این راستا منظور می شود قطعاً در تضاد با سایر اهداف حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری مانند تشدید قواعد و مبانی اجتماعی و بازیافت مجرم نمی باشد، بلکه احياناً کمکی است برای دستیابی به آن و احتمالاً آسان سازی پیوند و آشتی میان قربانی جرم و مجرم؛

با لحاظ اینکه نیازها و منافع قربانی جرم می بایست در تمامی مراحل دادرسی کیفری ارجحیت داده شود؛

نظر به کنوانسیون اروپا در خصوص جبران خسارات قربانیان جنایات به عنف؛

۱. به حکومت های دول عضو توصیه می کند که مقررات قانونی و اجرایی خود را با در نظر گرفتن نکات ذیل مورد بازبینی قرار دهند:

الف) در مرحله پلیس

۱. مأموران پلیس می بایست برای پیگیری امور قربانی جرم به نحو قابل فهم، سازنده و اطمینان بخش تشکیلات یابند؛

۲. پلیس می بایست اطلاعات لازم را در خصوص امکان جلب مساعدت مشاوران عملی و حقوقی، همچنین امکان جبران خسارات وارد شده توسط مجرم و دولت، در اختیار قربانی جرم قرار دهد؛

۳. قربانی جرم می بایست امکان دسترسی به اطلاعات موجود در پرونده تشکیل شده نزد پلیس را داشته باشد؛

۴. پلیس می بایست در تمامی گزارش های منعکس شده به نهادهای تعقیب، بروشنی و به صورت کامل به خسارات جانی و مالی وارد شده به قربانی جرم اشاره داشته باشد.

ب) در مرحله تعقیب

۵. تصمیم قطعی مرتبط با تعقیب، نمی بایست بدون اینکه در خصوص جبران خسارت وارد شده به قربانی جرم و یا تمامی مساعی مثبتی که بدین منظور از طرف مجرم اعمال گردیده است، اظهار نظر شده باشد، اتخاذ شود؛

۶. قربانی جرم می بایست از تصمیم نهایی مراحل تعقیب مطلع گردد، مگر اینکه خود، خواهان اطلاع از نتیجه نباشد؛

۷. قربانی جرم می بایست از حق تجدیدنظر خواهی از تصمیم منع تعقیب در مرجع صالح یا از حق مراجعه مستقیم به دادگاه برخوردار باشد.

ج) تحقیق از قربانی جرم

۸. در تمامی مراحل دادرسی، تحقیق از قربانی جرم می بایست با لحاظ وضعیت شخصی، حقوق و حرمت او به عمل

آید. در صورت امکان و در مواردی که مناسبت دارد، از اطفال، بیماران یا اشخاص ناتوان جسمی می بایست در حضور اولیا یا قیم (سرپرست قانونی) آنان یا در حضور هر کس دیگری که کمک کار یا مددکار آنان شناخته می شود، تحقیق به عمل آید.

د) محاکمه

۹- قربانی جرم می بایست از امور زیر مطلع گردد:

تاریخ و محل برگزاری جلسات محاکمه ای که مرتبط با صدمات ناشی از جرم تشکیل می شود؛

امکاناتی که برای ترمیم و جبران خسارت وارد شده به او در قالب دادرسی کیفری مانند بهره مندی از مددکار یا مشاورین حقوقی وجود دارد؛

شرایطی که به موجب آن می تواند از آرای صادره مطلع گردد.

۱۰- دادگاه کیفری می بایست از امکان صدور دستور جبران خسارت از سوی مجرم به نفع قربانی جرم بر خوردار باشد. بدین منظور، محدودیت های فعلی مراجع قضایی، سایر قیودات و موانع ناشی از امور فنی، که موجب عدم امکان تحقق عام و مطلق این امر می باشند، می بایست حذف گردد.

۱۱- جبران خسارت در مقررات می بایست امکان تحقق به صورت مجازات، یا جایگزین یک مجازات، یا امکان اعلام آن همزمان با یک مجازات را داشته باشد.

۱۲- هر نوع اطلاع مفید مربوط به جراحات و خسارات وارد شده به قربانی جرم می بایست به مرجع قضایی تقدیم شود تا امکان آن را داشته باشد که در زمان تعیین کیفیت جبران و درصد مجازات، موارد زیر را مورد عنایت قرار دهد:

نیاز به جبران خسارت وارد شده به قربانی جرم؛

هر عمل جبران کننده یا ترمیمی که مجرم انجام داده یا هر کوشش مثبتی که در این راستا به اجرا گذاشته شده است.

۱۳- چنانچه در میان سایر شیوه ها، محکمه بتواند در حکم به تعلیق تعقیب، تعلیق مجازات، اقدامات تأمینی و تربیتی، یا هر اقدام دیگری، شروط مالی را نیز اضافه کند، می بایست در میان چنین شروطی، اهمیت ویژه ای به جبران خسارات وارد شده از سوی مجرم، به قربانی جرم داده شود.

ه) در مرحله اجرا

۱۴- چنانچه جبران خسارت تحت عنوان مجازات کیفری مورد حکم واقع شود، می بایست به همان صورتی که در مورد جرمه عمل می شود، دریافت گردیده و نسبت به سایر مجازاتهای مالی مقرر علیه مجرم، ارجحیت داشته باشد. در سایر موارد، تا حد امکان می بایست قربانی جرم از کمکهای لازم برای دریافت

خسارات بهره مند گردد.

و) حمایت از زندگی خصوصی

۱۵- سیاستهای اطلاع رسانی و روابط عمومی در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به جرایم، می بایست الزاماً با در نظر گرفتن حمایت از قربانی جرم در مقابل هرگونه تعدی به زندگی خصوصی و شأن او انجام بپذیرد. چنانچه نوع جرم، وضعیت خاص، موقعیت یا امنیت شخصی قربانی جرم اقتضای حمایت ویژه ای بنماید، در این موارد، یا باید مرحله تحقیقات مقدماتی غیرعلنی برگزار شود یا باید اعلام مشخصات قربانی جرم به صورت محدود و بسیار مختصر باشد.

ز) حمایت ویژه از قربانی جرم

۱۶- در صورتی که ضرورت اقتضا کند، خاصه در مورد جرایم سازمان یافته، قربانی جرم و خانواده او باید به نحو مؤثر در مقابل تهدیدات و خطر ناشی از اقدامات مجرم، مورد حمایت قرار گیرند.

۱۱- به کشورهای عضو توصیه می نمایم که:

۱- امتیازاتی را که ممکن است از سیستم میانجی و اصلاح ذات البین به وجود آید را مورد آزمایش و اجرا قرار دهند.

۲- تحقیقاتی را که پیرامون بررسی تأثیر مقررات مربوط به حقوق قربانی جرم است را توسعه و تشویق نمایند.

پی نوشت ها:

۱- شهید مطهری، مرتضی، عدل الهی، صص ۱۳۷ به بعد.

۲- آیه ۳۸، سوره مائده

۳- آیه ۱۲۲، سوره النساء.

۴- آیه ۱۰۵، سوره التوبه.

۵- آیه ۸۹، سوره یوسف.

۶- آیه ۳۰، سوره آل عمران.

۷- آیه ۸، سوره الزلزله.

۸- آیه ۹۱، سوره النساء.

۹- آیه ۳۳، سوره بنی اسرائیل.

۱۰- آیه ۹، سوره یوسف.

۱۱- آیه ۱۴۸، سوره النساء.

۱۲- آیات ۲۸ و ۲۹، سوره المائده.

۱۳- آیه ۴۵، سوره المائده، رک البقره ۱۷۸.

۱۴- دکتر کی نیا، مهدی، بزه دیده شناسی، مجله حقوق دانشکده علوم قضایی، ش ۱، ۱۳۷۰، خانی،

منوچهر، بررسی مفاهیم بزه دیده شناسی در اسنوپوره های ایرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد

مرکز، ۲۷۶. توجهی، عبدالعلی، جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکترای رشته حقوق جزا و جرم

شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷. مرتضوی، شیرین، بزه دیده شناسی زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد،

مجتمع آموزش عالی، ۱۳۷۶. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرایند کیفری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.

امیرخانی، فهیمه، زنان بزه دیده در دو نظام کیفری ایران و انگلیس، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹. کرد غنیوند

(روح الدین) و محمدی (احمدی)، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه، انتشارات مسجد. چپ اول، ۱۳۷۹.

۱۵- مواد (۲۱۲) و (۲۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری نیز به این امر اشعار دارد.